

متن کامل سخنرانی دکتر مصدق

در چهارم مهر ۱۳۳۰ در میدان بهارستان

منبع: کتاب معرفی و شناخت دکتر محمد مصدق - محمد جعفری فنوایی

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسپالیست های ایران - سوسپالیست های طرفدار راه مصدق - اسفند ۱۳۹۰

گزارش مصدق به مردم درباره تخصصان خارجی شرکت نفت

بامداد روز چهارم مهر، به طوری که قرار بود نخست وزیر برای تقدیم گزارش نفت به اتفاق وزیران در مجلس شورای ملی حضور یافت؛ اما چون در مجلس شورای ملی اکثریت حاصل نشد و بیش تر از ۶۶ نفر از وکلای در جلسه شرکت نداشتند، قرائت گزارش نفت ممکن نگردید. نخست وزیر در میدان بهارستان، مستقیماً، برای مردم به سخنرانی پرداخت. با آن که در بدو امر جمعیت بسیار کمی در میدان بهارستان گرد آمده بود به محض انتشار این خبر سیل جمعیت از اطراف، هجوم آورد، به طوری که در عرض چند دقیقه چندین هزار نفر برای استماع سخنان نخست وزیر حضور یافتند و دکتر مصدق در برابر سیل جمعیت، که پیاپی ابراز احساسات می کرد، این بیانات را ایراد نمود:

ای مردم!

شما مردم خیرخواه و وطن پرست که در این جا جمع شده اید، این جا مجلس شما است و هر جا که یک عده مخالف مصالح مملکت باشند مجلس نیست. هم وطنان عزیزم شما به خوبی می دانید که ما تمام مساعی و کوشش خود را برای حل قضیه نفت از طریق مذاکرات به کار بردیم (تصدیق عموم مردم).

هم وطنان عزیز!

من به شما می گویم که ملت ایران با زور دست از حق مشروع خود نخواهد کشید (احساسات شدید مردم). ملت ایران خوب فهمیده است که پنجاه سال او را دوشیده اند، و اینک از حق مشروع خود صرف نظر نخواهد کرد (صحیح است، صحیح است، زنده باد دکتر مصدق). عده معدودی از نمایندگان چنین تصور کرده اند که اگر تابع میل سیاست خارجی بشوند ملت با اعمال زور دست از حق مشروع خود خواهد کشید. ملت ایران خوب فهمیده است که با تشکیل یک هیأت حاکمه ای که مربوط به ملت نیست از حق مشروع خود صرف نظر نخواهد کرد (ابراز احساسات شدید مردم). در این موقع نخست وزیر صورتی را به دست گرفته به مردم نشان داد و

گفت: هم‌وطنان عزیز من، چهل سال است که شرکت غاصب سابق نفت انگلیس به ما از روی صورت رسمی فقط صد و ده میلیون لیره داده است، یعنی از سال ۱۹۱۲ که شرکت سابق نفت انگلیس شروع به بهره‌برداری کرده است از عایدات شرکت نفت من حیث‌المجموع، یعنی بابت حق‌الامتياز و مالیات و سود سهام ۲۰٪ دولت ایران فقط ۱۱۰,۹۲۳,۷۹۸ لیره انگلیسی به ما پرداخته است.

هم‌وطنان!

ما حاضر شدیم برای این‌که به صلح بین‌المللی خلی نرسد متخصصین انگلیسی را در معادن نفت جنوب به کار گماریم، ما حاضر شدیم که کلیه دعاوی شرکت سابق نفت جنوب را از بابت ملی شدن تأسیسات آن بپردازیم، ما حاضر شدیم که بر یک اساس صحیحی این معامله را تمام کنیم؛ یعنی یا به قیمت سهام شرکت در بازار بین‌المللی که نماینده سرمایه آن است، یا بر طبق هر قانونی، یعنی قانون هر مملکتی که معادن خود را ملی کرده و آن قانون بیش‌تر در نفع شرکت است، خسارت او را بپردازیم. ما حاضر شدیم دعاوی شرکت سابق و مطالبات دولت ایران را با تراضی طرفین خاتمه دهیم. ما حاضر شدیم آن مقدار نفتی را که در سه سال اخیر به کشور انگلیس رسیده است برای چند سالی که با هم توافق بکنیم به او بدهیم و پنجاه درصد از قیمت آن نفت را بابت ادعای شرکت سابق نفت، که قضاوت شده باشد، سالیانه مستهلک کنیم. ما حاضر شدیم که مصرف‌کنندگان سه ساله اخیر نفت از معادن جنوب را اگر نفت مورد نیاز خود را حواله کنند، به محاله بپردازیم. ما حاضر شدیم که روابط خود را با نهایت صمیمیت با دولت انگلیس برقرار کنیم. ما خواستیم که عایدات نفت ما، یعنی عایداتی که حق مشروع ملت ما است از یک غاصب بی‌رحم بگیریم و به مصرف بدبختی و فقر و مرض و بهداشت و فرهنگ پانزده میلیون مردم لخت و گرسنه و عور برسانیم.

(در این موقع احساسات شدیدی از طرف مردم ابراز شد و کف زدن و فریاد مردم تا چند دقیقه ادامه داشت.)

دولت انگلیس حاضر نشد که این پیشنهاد عادلانه و منصفانه ملت ایران را قبول کند. (در این موقع مردم فریاد زدند: مرده باد انگلیس، مرده باد انگلیس). مرده مرده باد نگویید. من حاضر نیستم شما بگویید مرده باد انگلیس. من می‌خواهم شما بگویید و دعا بکنید که خدای متعال دولت انگلیس را برای شناختن حق مسلم ما هدایت بکند و خدای متعال بدبختی‌های ما را در جلو چشم آن‌ها مجسم کند. (در این هنگام هزاران نفر از اهالی پایتخت که برای شنیدن نطق نخست‌وزیر در جلو در مجلس اجتماع کرده بودند به شدت می‌گریستند.)

هم‌وطنان عزیزم!

دولت انگلیس یک وقتی در این مملکت سیاست بسیار خوبی را تعقیب می‌کرد. آن وقت اولی مشروطیت بود. دولت انگلیس وقتی که دید عناصر خائن و پست این مملکت به دولت تزاری می‌گروند از آزادی مملکت حمایت کرد و مشروطیت ما با خون شهدای آزادی این کشور گرفته شد. این یک سیاستی بود که دولت انگلیس بسیار خوب بازی کرد. پس از آن دولت انگلیس از این رویه عاقلانه صرف‌نظر نمود و حاضر شد که با دولت تزاری روسیه قرارداد منطقه نفوذ منعقد سازد. جنگ بین‌المللی در گرفت و رژیم کمونیزم در دنیا ظاهر شد. دولت انگلیس به جای آن‌که با آزادی خواهان این مملکت، به وطن پرستان این مملکت و به اشخاصی که علاقه به استقلال این مملکت داشته‌اند همراهی کند آمد یک دولت دیکتاتوری برقرار کرد که نفس تمام مردم را در سینه حبس کرد و دولت انگلیس بالاتر از این کار را کرد. دولت انگلیس قبل از این‌که کودتا کند خواست با دولت شوروی، که در مملکت خود سرگرم امور داخلی بود، به ایران قرارداد تحت‌الحمايگی تحمیل کند. این قرارداد به واسطه احساسات وطن پرستانه شما برادران عزیز من، هم چنین به واسطه ورود دولت شوروی در صحنه سیاست این مملکت و به واسطه این‌که دولت آمریکا اعلامیه‌ای منتشر کرد و گفت که با تشکیل جامعه ملل آیا مقتضی است که دول آزادی خواه دنیا مملکتی را استعمار کند، از بین رفت.

هم وطنان عزیز!

من در تمام دوره چهاردهم تقنینیه با این سیاست مبارزه کرده‌ام (تصدیق مردم)، من با اعتبارنامه سید ضیاءالدین طباطبایی و قرارداد استخدام دکتر میلیسپو و دولت صدر و کمیسیون سه جانبه و یا هر چه که می‌خواست به آزادی مملکت لطمه بزنند مبارزه کرده‌ام.

در دوره چهاردهم افکار هم وطنان عزیز من تا این اندازه روشن و تیز نشده بود که با من همراهی کنند و بیایند در مجلس شورای ملی برای قانون انتخابات تهران که من پیشنهاد کرده‌ام پافشاری کنند. مقصود من این بود که فترت ایجاد نشود و یک مرکزی برای اظهار عقیده وجود داشته باشد. شما هم وطنان، احزاب سیاسی، مردم وطن پرست در این کار غفلت کردید. در روزهای آخر عده‌ای آمدند در این مجلس را که خانه شما است به مخالفت با امیال قاطبه ملت بستند و مجلس را از کار انداختند و دوره فترت ایجاد شد و کاری را که نباید بکنند کردند و امروز سیصد میلیون کسر بودجه شما نتیجه عملیاتی است که در ایام فترت واقع شده است. در دوره پانزدهم وقتی که انتخابات تهران می‌خواست شروع بشود ما برای آزادی انتخابات در دربار متحصن شدیم و جواب منفی شنیدیم. پس از این‌که من از دربار آمدم چندی بعد شخصی به من گفت که می‌دانید شما را سفارت انگلیس به دربار فرستاد. من جواب دادم که به هیچ وجه، بر فرض که سفارت انگلیس به من می‌نوشت که شما بروید از دربار آزادی انتخابات را بخواهید کی

بود که از این نوشته امتناع کند. اگر سفارت انگلیس به من گفته بود شما روزه بگیرید، آیا چون این حرف را سفارت انگلیس زده بود من روزه نمی‌گرفتم؟ با کمال میل می‌گرفتم، گفتم چه دلیل داشت که ما را سفارت انگلیس به دربار روانه کرد؟ گفت از این نظر که به دولت شوروی گفته‌اند که اگر در تهران آزادی انتخابات برقرار شود عده‌ای می‌روند با قرارداد شرکت مختلط ایران و شوروی مخالفت می‌کنند. پس باید انتخابات آزاد نشود که نه هواخواهان حزب توده به مجلس بروند و نه آن‌هایی که می‌خواهند با قرارداد مخالفت کنند حضور پیدا کنند. در دوره شانزده من به تمام معنی مایوس بودم و گفتم در دوره‌های چهاردهم و پانزدهم اقدامی کردیم و به نتیجه نرسیدیم، ولی وقتی که انتخابات تهران شروع شد من گفتم که این مرتبه را اقدام می‌کنم شاید به نتیجه مطلوب برسد. من از شما هم‌وطنان عزیز دعوت کردم که در جلو دربار حاضر شوید. همه شما آمدید و همه با یک رشد ملی که حتی یک نفر هم صدا نکرد. (در این موقع آقای دکتر مصدق دست‌خوش احساسات شدند و قطرات اشک از گونه‌های ایشان جاری شد مردم نیز به صدای بلند گریه می‌کردند.)

هم‌وطنان عزیزم! آن‌ها می‌خواستند که از شما صدایی بلند شده و شماها را به عنوان آشوب طلب گرفته دچار مشقت و زحمت کنند، ولی شما هم‌وطنان عزیز آمدید و در آن‌جا حاضر شدید و ما رفتیم در دربار. فقط خواهشی که کردیم این بود که دکتر اقبال از وزارت کشور برکنار شود. چون خواهش ما انجام نشد از آن‌جا آمدیم و مبارزه کردیم و آن‌چه را که بود من و چند نفر نمایندگان جبهه ملی که همه می‌دانید کی‌ها هستند از خدمت شما دریغ ننمودیم و مبارزه ما به قدری شدت پیدا کرد که اقلیت زمام‌دار شد. در کجای دنیا دیده‌اید اقلیت زمام‌دار شود. (یکی از میان مردم فریاد زد که اقلیت نبود اکثریت مردم بود.)

این زمام‌داری اقلیت هیچ نبود، مگر آن‌که شما هم‌وطنان عزیز من که دوست ایران هستید از این قسمت پشتیبانی کردید. این دولت فقط از این نظر روی کار آمد که احقاق حق ملت ایران بشود. این دولت روی کار آمد که دیگر این ملت استثمار نشود. حالا عده معدودی این‌طور وانمود می‌کنند که احساسات شما در نتیجه تحریکات این دولت است. آیا این دولت با کسی صحبتی، سخنی یا حرفی زده است؟ (مردم گفتند ابداً ابداً) اگر این احساسات در این مملکت نبود چرا باید اقلیت زمام‌دار شود؟

شنیدم سه روز قبل سفیر کبیر انگلیس به دیدن جناب آقای تقی‌زاده، رئیس مجلس سنا، رفته‌اند و گفته‌اند چه شده است که در مجلس شورای ملی اقلیت تشکیل شده که با دولت مخالفت می‌کند، ولی در سنا چنین اقلیتی تشکیل نشده است. ما به شما می‌گوییم که تا دولت

دکتر مصدق بر روی کار است با ایران داخل مذاکره نمی‌شویم. (در این موقع احساسات شدیدی از طرف مردم ابراز شد. فریاد زنده باد دکتر مصدق، زنده باد دولت دکتر مصدق، در میدان بهارستان طنین‌انداز بود. دسته گلی نیز به آقای دکتر مصدق تقدیم شد که ایشان آن را روی سر خود گذارده و سپس آن را تسلیم تقدیم کننده آن نمود.)

جوابی که مقتضی بود راجع به عدم دخالت یک دولت خارجی در امور داخلی ایران جناب آقای تقی‌زاده به این سفیر محترم انگلیس داده است. اکنون من به شما عرض می‌کنم این دولت، این دولت محال است که کاری بر خلاف مصالح شما بکند. تا رأی عدم اعتماد از مجلس نگیرد با کمال سختی با کمال شدت، برای احقاق حق شما مبارزه خواهد کرد. (در این موقع آقای دکتر مصدق در میان ابراز احساسات شدید مردمی که برای استماع نطق ایشان در مقابل عمارت بهارستان گرد آمده بودند به داخل باغ بهارستان رفتند و پس از چند دقیقه‌ای باغ بهارستان را ترک گفته و به منزل خود مراجعت کردند.)

متن گزارش دکتر محمد مصدق که قرار بود در روز چهارم مهر به عرض مجلس شورای ملی برسد و به علت تشکیل نشدن مجلس در جراید و رادیو منتشر شد:

دولت این جانب پیوسته سعی داشته است خاطر محترم آقایان نمایندگان را از کیفیت جریان امر نفت مستحضر دارد. چنان‌که در چند ماه اخیر چهار بار، یعنی در سی‌ام خرداد و سیزدهم و سی‌ام مرداد و هفدهم شهریور جریان مشروح اقدامات دولت به عرض نمایندگان محترم رسیده است. اینک اقداماتی که پس از هفدهم شهریور به عمل آمده نیز به عرض نمایندگان محترم می‌رسد.

در پایان گزارش هفدهم شهریور رئوس مسایلی که دولت ایران حاضر بود در باب آنها با دولت انگلیس به عنوان وکیل شرکت سابق وارد مذاکره شود و طرفی که برای حل آن مسایل در نظر گرفته شده بود اجمالاً به عرض رسید و ضمناً معروض داشت که چون نمی‌توان برای تجدید مذاکره بیش از این منتظر شد دولت مصمم است نظر خود را در باب حل قضیه نفت به دولت انگلستان که به وکالت از طرف شرکت سابق نفت با دولت ایران وارد مذاکره شده اطلاع دهند و مدتی را برای امکان تجدید مذاکرات معین نماید که اگر در ظرف آن مدت مذاکرات به نحو مطلوب مجدداً شروع نشود دولت جواز اقامت کارشناسان انگلیسی در ایران را لغو کند تا بتواند هر چه زودتر کارشناسان دیگری استخدام نموده کارها را به جریان اندازد.

بعد از آن تاریخ، یادداشتی که ذیلاً به عرض می‌رسد برای تسلیم دولت انگلستان تهیه شد و

چون آقای هریمن، نماینده حضرت ترومن، رییس جمهور آمریکا، در ملاقات‌های اخیر خود مکرر اظهار نموده بود که اگر از وجود او در امر نفت بتوان استفاده کرد پیوسته برای کمک حاضر است، یادداشت مزبور توسط معظم‌له در تاریخ بیستم شهریور برای دولت انگلیس که سمت نمایندگی شرکت سابق نفت را داشت فرستاده شد.

متن یادداشت ایران به تاریخ بیستم شهریور ماه ۱۳۳۰

آقای هریمن عزیزم!

پس از آن‌که مذاکرات کنفرانس صاحبقرانیه، که در نتیجه مساعی و حسن نیت آن جناب و با امیدواری کامل دولت و ملت ایران تشکیل شد، به نتیجه قطعی منتهی نگردید جناب آقای استوکس و همراهان در تاریخ سی‌ام مرداد و آن جناب نیز روز اول شهریور ۱۳۳۰ تهران را ترک فرمودند و اعلام گردید که مذاکرات قطع نشده است.

با وجود این‌که در آخرین ملاقات با جناب آقای استوکس از طرف این‌جانب نظریات دولت ایران کتباً به ایشان تسلیم گردید و وعده دادند در لندن آن را مطالعه و نظر خود را اطلاع دهند و دولت ایران انتظار داشت که مذاکرات بر مبنای آن نظریات مجدداً اعاده شود تاکنون اثری از آن ظاهر نگردید و حتی گفته شده که انتظار وصول پیشنهاد ایران را دارند و این حالت انتظار که به تدریج طولانی گردیده بیش از این قابل تحمل نیست. نظر به این‌که جناب عالی به نمایندگی از طرف حضرت رییس جمهوری آمریکا وسیله مذاکره بین ایران و دولت انگلیس به نمایندگی از طرف شرکت سابق نفت انگلیس و ایران را فراهم فرموده بودید و در موقع حرکت از تهران و بعدها در لندن و واشنگتن هم اظهار فرمودید حاضر هستید باز هم اقدامات خود را تعقیب فرمایید دولت ایران این پیشنهاد را به وسیله آن جناب تقدیم می‌دارد و خواهشمند است آن را فوراً به اطلاع دولت انگلستان که نمایندگی شرکت سابق نفت ایران و انگلیس را دارد برسانید.

اولاً - به طوری که خاطر جناب عالی مستحضر است عمده اشکالی که در روزهای اخیر مذاکرات ظاهر شده بود راجع به طرز اداره شرکت نفت ملی ایران بود و آقای استوکس پیشنهاد می‌کردند که یک سازمان عامل و با یک مدیر عامل انگلیسی عهده‌دار اداره صنعت نفت در جنوب ایران باشد و دولت ایران نمی‌توانست با چنین پیشنهادی موافقت نماید؛ زیرا به موجب فرمولی که به وسیله آن جناب مورد توافق دولتین ایران و انگلیس واقع شده و مسلم بود که تمام عملیات اکتشاف و استخراج و بهره‌برداری باید در دست دولت ایران باشد، قبول پیشنهاد فوق مخالف فرمول و در حکم احیاء شرکت سابق به صورت جدیدی می‌شد.

دولت ایران متوجه است که برای اداره صنعت نفت به وجود کارشناسان خارجی نیازمند

است و لازم می‌داند به متخصصین مشغول امور نفت که برای شرکت ملی نفت ایران عمل خواهند نمود نسبت به امور اجرایی و فنی اختیارات و آزادی عمل کافی بدهد. سازمان شرکت سابق نفت انگلیس و ایران به قسمت‌های مختلف تقسیم شده و در رأس هر قسمت کارشناسان خارجی با اختیارات لازم و متناسب قرار داشته‌اند و دولت ایران در نظر دارد که اصولاً تشکیلات سابق را تا آنجا که با مقررات ملی شدن صنعت نفت مابینت نداشته باشد حفظ نماید و متصدیان امور و مسئولین قسمت‌های فنی را با همان اختیارات سابق در شرکت ملی نفت ایران استخدام کند؛ و نیز برای آن‌که سازمان شرکت ملی نفت ایران مطابق آخرین سیستم ترقیات فنی امروزه دنیا امور خود را اداره نماید دولت ایران حاضر است از تجربیات گران‌بهای متخصصین ممالک بی‌طرف استفاده کند و در اساسنامه شرکت هیأت مدیره مختلطی مرکب از متخصصین ممالک بی‌طرف و کارشناسان ایرانی پیش‌بینی نماید که امور اداری و فنی شرکت ملی نفت تحت نظر آن هیأت اداره شود.

ثانیاً - با تکرار این مطلب که دولت ایران هیچ‌وقت قصد مصادره اموال شرکت سابق را نداشته و ندارد و برای ترتیب تسویه دعاوی و مطالبات حقه شرکت سابق نفت ایران و انگلیس با رعایت دعاوی و مطالبات ایران سه طریق به نظر می‌رسد:

الف) قیمت سهام شرکت سابق (به قیمت قبل از قانون ملی شدن نفت) ملاک تشخیص و تعیین مبلغ غرامت واقع شود.

ب) قواعد و قوانین ملی شدن و اصول متخذه در کشورهای دمکراتیک در موارد مشابه ملاک تشخیص و تعیین مبلغ غرامت قرار گیرد.

ج) اتخاذ هر نوع طریقه‌ای که مورد توافق طرفین واقع شود.

ثالثاً - راجع به فروش نفت به انگلستان نیز بر طبق اظهاراتی که شده در سال‌های اخیر کشور انگلستان برای کلیه مصرف خود تا معادل ده میلیون تن نفت در سال از محصولات نفت جنوب ایران استفاده می‌کرده است. دولت ایران حاضر است این مقدار نفت را برای مدتی که با توافق طرفین معین شود هر ساله به نرخ عادلانه بین‌المللی بر اساس قیمت قوب در بندر ایران بفروشد. رابعاً - یکی دیگر از پیشنهادهای جناب آقای استوکس این بود که حمل و نقل نفت جنوب ایران بر عهده شرکتی باشد که ایشان پیشنهاد می‌کردند. بدیهی است آن مقدار نفتی که به انگلستان فروخته می‌شود به هر شرکت و مؤسسه حمل و نقل که حواله کنند تحویل داده خواهد شد.

این رئوس مطالبی است که دولت ایران حاضر است بر طبق آن‌ها مجدداً مذاکرات را آغاز نماید و امیدوار است در حدود آن‌ها توافق حاصل شود.

تعطیل مذاکرات در موضوع نفت بیش از این برای دولت و ملت ایران قابل تحمل نیست، چه از طرفی عده کثیری از کارشناسان انگلیسی که در آبادان متوقف هستند و شرکت سابق مانع از آن است که آنها برای ادامه خدمت در شرکت ملی نفت ایران حاضر شوند و دولت ایران نیز با حسن نیت و به انتظار این که مذاکرات فیما بین به نتیجه قطعی برسد و کارشناسان مجدداً به کار خود و خدمت خود ادامه دهند از استخدام کارشناسان دیگر و تحویل امور به آنها خودداری نموده است، و از طرف دیگر تا زمانی که رفع اختلاف نشده بعضی از کارمندان شرکت سابق نفت هر روز موجب تحریک و عصبانیت جدید و ایجاد سوء تفاهمات در روابط دولتی انگلیس و ایران می‌کردند و نیز تا زمانی که عمال شرکت سابق نفت در ایران هستند با تحریکات و تبلیغات روزافزونی که می‌کنند کشورهای دیگر حاضر نخواهند شد که کارشناسان خود را به ایران بفرستند، یا برای معامله نفت جداً اقدام نمایند. ضمناً لازم می‌داند به استحضار برساند که در نتیجه پیدایش این اوضاع و احوال اختلالی که در امور اقتصادی و مالی کشور ایران به وجود آمده و مخارج هنگفت تأسیسات و تشکیلات مناطق نفت‌خیز و اجرت کارگران که به بودجه عمومی مملکت تحمیل شده برای مدت طولانی نمی‌تواند دوام داشته باشد و دولت از نظر مسئولیت و وظیفه سنگینی که به عهده دارد ناگزیر است هرچه زودتر به بلاتکلیفی موجود خاتمه دهد.

بنابراین چنانچه از تاریخ تسلیم این پیشنهاد به دولت انگلستان تا مدت پانزده روز نتیجه رضایت‌بخشی حاصل نشود دولت ایران با کمال تأسف ناگزیر خواهد بود که جواز اقامت کارمندان و متخصصین انگلیسی نفت جنوب را لغو نماید.

آقایان نمایندگان محترم توجه می‌فرمایند که در این یادداشت منتهای کوشش به عمل آمده تا راه‌حلی که با قانون و آمال ملی ایران و موازین عدالت و نصفت مغایرت نداشته باشد پیشنهاد شود.

ولی آقای هریمن از ارسال یادداشت ایران به دولت انگلیس به شرح ذیل استنکاف نمود.

متن نامه هریمن در جواب یادداشت ایران

نخست وزیر عزیزم!

پیام مورخ دوازدهم سپتامبر ۱۹۵۱ به وسیله سفیر کبیر ایران به این جانب ابلاغ گردیده است. من هم در اظهار تأسف از این که مذاکرات بین نمایندگان دولت شاهنشاهی و نمایندگان دولت انگلستان به ریاست مهربار سلطنتی مستر استوکس منجر به توافقی برای تسویه اختلاف نفت نگردیده با آن جانب سهم و شریک می‌باشم و مستحضرم که وقفه حاصله در استخراج و حمل

نفت ایران به خارج چه مشقات قابل توجهی برای اقتصادیات ایران و هم‌چنین اقتصاد بریتانیای کبیر به بار آورده است. کشور اتازونی و کلیه ممالک آزاد جهان با اشتیاق وافر به این مذاکرات می‌نگریستند و امیدوار بودند که راه حلی که موجب ارضاء منافع مشروع طرفین بوده باشد یافت شود.

به جناب عالی اطمینان می‌دهم که همواره برای مساعدت در یافتن راه‌حل عادلانه‌ای بای‌نحوکان حاضر و آماده‌ام. در کوشش‌هایی که تاکنون در این باره نموده و همواره هم‌این‌جانب مصروف بر این بوده که صراحت لهجه و حقیقت‌بینی را در مشورتی که به دولت ایران و هم‌چنین دولت بریتانیا داده‌ام نصب‌العین خود قرار بدهم و اکنون هم با همان روح واقع‌بینی و دوستانه و به منظور این‌که قضیه مورد اختلاف با کمک این‌جانب حل و تسویه بشود اجازة می‌خواهم نظریات خود را درباره مندرجات پیام آن‌جناب به عرض برسانم.

بدو بایستی متذکر بشوم که نظر کلی این‌جانب درباره این پیشنهادات این است که علی‌الظاهر مشابه با همان پیشنهاداتی می‌باشد که دولت ایران در حین مذاکرات در تهران ابراز می‌نمودند و هیأت نمایندگی بریتانیا نمی‌توانستند به علت عدم تطبیق آن‌ها با جهات عملی و تجارتي صنعت نفت آن را مورد قبول خود قرار بدهند و حتی در بعضی جهات این پیشنهادات نشان می‌دهد که از مواردی که در حین انجام مذاکرات به آن واصل شده بودند اکنون بازگشتی حاصل شده است.

جناب عالی پیشنهاد فرموده‌اید که شعب و ادارات شرکت سابق نفت ایران و انگلیس تا جایی که مغایرت با قانون ملی شدن نفت نداشته باشد به حال خود باقی بماند و مدیران و سایر مقامات مسئول در قسمت‌های فنی با همان اختیاراتی که سابقاً داشته‌اند در شرکت ملی نفت ایران استخدام بشوند و هم‌چنین اظهار فرموده‌اید که دولت ایران حاضر است هیأت مدیره مختلطی، که مرکب از اعضاء فنی ایرانی و خارجی از کشورهای بی‌طرف بوده باشد، ایجاد نماید که متفقاً امور اداری و فنی شرکت نفت ملی ایران را اداره نمایند.

در حین انجام مذاکرات در تهران و امکان عملی نمودن چنین فکری سعی وافی نمودم که به نمایندگان ایران این مطلب را بفهمانم که گرداندن چرخ‌های یک صنعت عظیم و پیچیده‌ای بر روی زمینه‌ای که چندین نفر مدیر مسئول شعب گزارش عملیات خود را به هیأت مدیره‌ای بدهند و یک نفر مدیر مسئول در رأس آن‌ها نباشد یک امر غیر عملی خواهد بود.

به عقیده من با این روش نمی‌توان هیچ سازمانی را به نحو مؤثری اداره نمود و به قراری که استنباط نمودم مستر استوکس هم عقیده داشت که دولت انگلیس این روش را عملی نمی‌داند و به علاوه خاطر نشان نموده‌اند که اداره مؤثر پالایشگاهی به عظمت و کمال پالایشگاه آبادان

مستلزم استخدام یک دسته مؤتلف از کارشناسان می‌باشد، نه این‌که استخدام افراد خارجی که تخصص در این امر داشته باشند. اشخاص فنی ذی‌صلاحیت فقط در مواردی تن به استخدام می‌دهند که شرایط رضایت‌بخشی برای آنان وجود داشته باشد؛ از جمله این شرایط یکی این خواهد بود که آن‌ها اطمینان حاصل کنند که اداره امور صنعت در پد اشخاص توانایی خواهد بود که آن را از روی کاردانی و به‌نحو اطمینان بخشی اداره نمایند.

جناب‌عالی نگرانی خود را از این بابت ابراز فرموده بودید که هر ترتیبی برای اداره امور صنعت نفت داده شود بایستی کلیه مقررات قانون ملی شدن را در برداشته باشد. من ایمن دارم که امکان دارد ترتیباتی داده شود که هم این هدف حاصل شود و هم در عین حال اداره امور صنعت بر روی زمینه کاردانی مستقر گردد.

در مدت اقامت من در تهران به اتفاق مستر لوی با مقامات رسمی ایرانی درباره ترتیباتی که به موجب آن، یک سازمان صلاحیت داری بتوان برای اداره امور صنعت نفت استخدام نمود، که در تحت نظر شرکت نفت ملی ایران بوده باشد مذاکره می‌نمودم. این‌گونه ترتیبات در کلیه نقاط جهان جزو مرسومات عادی تجاری است.

جناب‌عالی این نکته را تکرار فرموده‌اید که دولت ایران هرگز قصد نداشته و ندارد که اموال شرکت سابق نفت انگلیس و ایران را توقیف و مصادره نماید و طرقی برای تعیین و تادیبه غرامات پیشنهاد فرموده‌اید. در عین این‌که این‌جانب نظریه‌ای درباره پیشنهادات جناب‌عالی برای تعیین ارزش اموال شرکت ندارم یادآور می‌شوم که پرداخت پاداش بایستی بستگی به ترتیباتی داشته باشد که برای اداره امور نفت داده می‌شود و اطمینان به این‌که محصولات این صنعت به طور مدام در دسترس بازارهای جهانی خواهد بود، یا به عبارت آخری پرداخت پاداش در تحت تأثیر این عوامل قرار می‌گیرد. به‌طوری‌که به آن جناب خاطر نشان نموده‌ام در نظر دولت اتازونی قبضه دارایی و اموال خارجی‌ان از طرف هر دولتی بدون پرداخت پاداش مکفی و فوری مؤثر و یا هر ترتیب که موجب رضایت مالکین سابق بوده باشد (بدون این‌که قصد اصلی در نظر گرفته شود) مصادره نامیده خواهد شد و نه ملی نمودن. تمایل به پرداخت پاداش به تنهایی کافی نیست. بایستی طرف توانایی آن را داشته باشد که به نحو مؤثری آن را به مرحله عمل درآورد. به عقیده من هرگاه ترتیباتی برای فروش نفت با انگلیس‌ها داده شود مسئله پاداش را می‌توان به‌طور رضایت‌بخشی حل نمود و در عین حال منافع خالصی که عاید دولت ایران خواهد شد برابر با منافع هر یک از کشورهای تولیدکننده نفت خواهد بود که در تحت شرایط مشابهی عمل می‌نمایند.

جناب‌عالی اظهار فرموده‌اید که دولت ایران حاضر است سالیانه مقدار ده میلیون تن نفت به

انگلستان بفروشد. این مقدار مصرف، مقدار نفتی است که سابقاً بریتانیای کبیر از منابع ایرانی استفاده می‌نموده است، و هم‌چنین تصریح شده است که فروش این مقدار با نرخ‌های جاری بین‌المللی بر روی اساس ارزش فوب در بنادر ایران خواهد بود و به علاوه اضافه شده است که این مقدار نفت به هر شرکت، یا هر بنگاه حمل و نقلی که آن‌ها معرفی بنمایند تحویل خواهد شد.

به طوری که در تهران به جناب عالی خاطر نشان نمودم هرگاه دولت ایران بخواهد اطمینان حاصل نماید که مقادیر معتناهی از نفتش را در بازارهای جهانی بفروش برساند بایستی با مشتریانی که وسایل و تسهیلات لازمه را برای حمل و نقل و پخش این متاع بر روی یک زمینه وسیعی در دست دارند ترتیباتی بدهد. مشتریان بالقوه نفت حاضر نخواهند بود وارد این قبیل قرارهایی بشوند، مگر این که نفت ایران را با شرایط مساعدی تحصیل نمایند؛ یعنی برابر با آنچه که در سایر کشورهای تولیدکننده نفت برای آن‌ها خرید و یا استخراج آن میسر می‌باشد. این نکته البته یک ملاحظه عملی و تجارتي است و هم‌چنین این مسئله واقعیت دارد که فقط آن‌هایی که برای نفت ایران بازاری درست کرده‌اند حاضر به تعهد خرید مقادیر زیادی از آن خواهند بود. میزان تولید نفت در ایران قبل از بروز این اختلاف در حدود سالی سی میلیون تن بوده است. قسمت اعظم این محصول به وسیله شرکت‌های انگلیسی و مؤتلفین آن‌ها که بازارهایی در دنیا برای آن آماده نموده بودند معامله می‌شد و این‌ها مالک وسایل حمل و نقل و تسهیلات لازمه برای انتقال نفت ایران و توزیع آن در بازارهای دنیا بودند.

هرگاه ترتیباتی فقط برای فروش نفت، یعنی آن قسمتی که سابقاً به بریتانیا می‌رفته و ترتیبات مالی مربوط به آن داده شود مسئله حمل و نقل و توزیع بقیه محصول در سایر نقاط دنیا لاینحل خواهد ماند و شرکت‌های بریتانیایی لابد از این خواهند بود که در پی منابع دیگری برای تحصیل نفت بوده باشند.

در حین مذاکرات تهران دولت ایران تمایلی ابراز نمودند که حاضرند درباره یک قرارداد طویل‌المدت راجع به فروش نفت به یک سازمانی که به وکالت از طرف مشتریان سابق عمل نماید مطالعه نمایند. طبق این پیشنهاد آن قسمت از محصول که جزء این قرارداد نبود می‌توانست مستقیماً به وسیله شرکت ملی نفت ایران به مشتریانش فروخته شود. پیشنهاد فعلی آن جناب می‌رساند که در آن نظریه تغییری حاصل گردیده است.

جناب عالی اشاره فرموده‌اید که قطع مذاکرات با انگلیسی‌ها و تعطیل صنعت نفت ایران وضع بحران‌آمیزی در ایران ایجاد نموده و اضافه فرموده‌اید که چنانچه در ظرف پانزده روز از تاریخ تسلیم پیشنهادات جناب عالی به دولت بریتانیا نتیجه رضایت بخشی حاصل نشود دولت

ایران قصد دارد جواز اقامت کارشناسان انگلیسی مقیم حوزه نفت خیز جنوب را ملغی نماید. به طوری که به استحضار آن جناب رسانیدم پیشنهادات فعلی که در پیام خود فرموده‌اید هیچ‌گونه پیشرفتی را با آنچه که در مذاکرات تهران مورد بحث بوده نشان نمی‌دهد بلکه علی‌الظاهر در جهت مخالف آن سیر نموده است. این جانب عقیده دارم حل مشکلی که دولتین ایران و بریتانیا با آن مواجه می‌باشند تنها به وسیله مذاکراتی ممکن است که مبتنی بر روی شناسایی جهات عملی و فنی بوده و در عین حال با حسن نیت متقابل توأم بوده باشد.

پیدا نمودن راه حلی که متضمن آمال ملی ایران برای نظارت بر صنعت نفت در داخله کشور بوده باشد به عقیده من بر طبق مذاکرات و نظریاتی که در تهران ابراز داشته‌ام کاملاً امکان‌پذیر و عملی می‌باشد، ولی معتقدم که تسلیم پیام جناب عالی از طرف من به دولت انگلستان وضع تسویه اختلاف را تشدید خواهد نمود، به‌ویژه با نظریه‌ای که در مورد اخراج کارمندان انگلیسی در جنوب ایران اتخاذ گردیده است که به عقیده من بر وخامت اوضاع خواهد افزود.

به عنوان یک دوست صمیمی ایران رجاء واثق دارم که جناب عالی نکات مندرجه در پیام خود را مورد تجدید نظر قرار خواهید داد که زمینه‌ای آماده بشود تا مذاکرات از سر گرفته شود. می‌خواهم به جناب عالی این نکته را بگویم که مکاتبه در این مورد با این جانب فوق‌العاده موجب سپاس‌گزاری من واقع گردیده است.

به طوری که قبلاً هم عرض کردم کمال اشتیاق را دارم تا جایی که اوضاع و احوال اجازه بدهد مفید واقع بشوم ولی به دلایلی که در فوق به عرض رسید با کمال تأسف باید بگویم که نمی‌توانم با تقاضای جناب عالی در این مورد به خصوص موافقت نمایم.

آورل هریمن

پس از وصول نامه آقای هریمن، روزی برای عرض گزارش شرفیاب حضور اعلیحضرت همایون شاهنشاهی شده لزوم تسریع در فیصله دادن قضیه نفت را به عرض رسانیدم. در این ضمن به نظر رسید قبل از این که رسماً و مستقیماً به دولت انگلیس یادداشتی فرستاده شود بهتر است مساعی لازمه به کار رود بلکه زمینه‌ای برای اساس مذاکرات فراهم آید. به این منظور دولت ورقه‌ای به عنوان زمینه مذاکرات تهیه نمود که در آن تسهیلاتی برای فروش و حمل نفت قایل شده بود تا شاید بدین وسیله با توافق طرفین قضیه نفت خاتمه پذیرد. این ورقه غیر رسمی یعنی ورقه‌ای که بدون امضا و تاریخ و عنوان تنظیم شده بود به عرض رسید و از جناب آقای وزیر دربار تقاضا شد آن را به سفیر کبیر انگلیس به‌طور خصوصی تسلیم کنند. اینک متن ورقه:

ورقه غیر رسمی دولت ایران

از آن جا که دولت ایران سعی دارد در حدود قانون ترتیباتی فراهم نماید که ملی شدن صنعت نفت ایران به دولت و ملت انگلیس لطمه‌ای وارد نیآورد و مسایلی که از ملی شدن صنعت نفت به وجود آمده هرچه زودتر به طریق عادلانه‌ای حل شود آخرین نظر خود را در این باب به نحو اختصار در این جا توضیح می‌دهد.

مسایل اساسی مورد بحث عبارت است از:

۱. رسیدگی به غرامت شرکت سابق نفت و دعاوی و مطالبات دولت ایران.
۲. فروش نفت به دولت انگلیس.
۳. انعقاد قرارداد با متخصصین خارجی.
۴. حمل نفت.

۱. رسیدگی به غرامات شرکت سابق نفت و دعاوی و مطالبات دولت ایران

دولت ایران حاضر است به یکی از طریق سه گانه ذیل دعاوی و مطالبات حقه شرکت سابق نفت را با رعایت دعاوی و مطالبات دولت ایران تسویه نماید:

- الف) از روی قیمت سهام شرکت سابق نفت (به قیمت قبل از قانون ملی شدن صنعت نفت).
- ب) بر طبق قوانین و قواعدی که در مورد ملی کردن صنایع در هر یک از کشورها به موقع اجرا گذاشته شده و شرکت سابق نفت آن را بیش تر به نفع خود بدانند.
- ج) به هر طریق دیگری که مورد توافق طرفین واقع شود.

۲. فروش نفت به دولت انگلیس

دولت ایران حاضر است مقدار نفتی را که دولت و ملت انگلیس سابقاً خریداری می‌کرده‌اند در آینده نیز به قیمت عادلانه بین‌المللی در هر سال تحویل بندر ایران (F.O.B) به دولت مذکور بر طبق قرارداد طویل‌المدت به فروش رسانند.

دولت انگلیس می‌تواند با برداشت نصف بهای نفت خریداری خود غرامات موضوع بندیک این نامه را استهلاک نماید.

۳. انعقاد قرارداد با متخصصین خارجی

شرکت ملی نفت ایران متخصصین خارجی مورد نیاز را با تمام حقوق و مزایایی که در شرکت سابق نفت دارا بوده‌اند نگاه‌داری نموده با هر یک از آن‌ها قرارداد منعقد می‌کند، و برای این‌که در تشکیلات شرکت سابق تغییری حاصل نشود و در این صنعت عظیم اختلالی روی

ندهد کلیه مقررات اداری و فنی سابق را محفوظ خواهد داشت (جز آنچه با ملی شدن صنعت نفت مغایرت داشته باشد) و تمام قسمت‌های فنی و اداری را به همان ترتیب سابق به جریان خواهد انداخت و این قسمت‌ها را به دست متخصصین فنی اعم از خارجی یا داخلی خواهد سپرد و در کارهای جاری و روزانه به رؤسای قسمت‌ها اختیارات کافی خواهد داد تا برای پیشرفت کار خود آزادی عمل داشته باشند. به علاوه در رأس تشکیلات استخراج و تصفیه یک نفر مدیر فنی خارجی که ملیت آن را بعداً دولت ایران تعیین خواهد کرد خواهد گماشت. مدیر فنی که مستخدم ایران و رابط بین کارشناسان خارجی و هیأت مدیره است تحت نظر مستقیم هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران انجام وظیفه خواهد نمود.

۴. حمل نفت.

شرکت ملی نفت ایران نفت را به یک یا چند مؤسسه که از طرف مشتریان سابق معرفی شوند تحویل خواهد داد. دولت ایران چنان‌که مکرر اظهار داشته حاضر است از طریق مذاکره مسایل مذکوره در فوق را حل و فصل نماید، و انتظار دارد اگر با شروع مذاکرات بر اساس این نامه موافقت دارند هر چه زودتر نظریات خود را اظهار کنند تا این‌که از تاریخ تسلیم این نامه تا یک هفته مذاکرات آغاز شود.

جناب آقای وزیر دربار هم به همین نحو عمل فرموده و ورقه غیر رسمی را برای سفارت انگلیس فرستادند.

اینک جوابی که از طرف سفارت رسیده به عرض می‌رسد:

تهران ۳۰ شهریور ۱۳۳۰

جناب آقای علا عزیزم

در موقع شرف یابی به حضور اعلیحضرت همایونی در تاریخ ۱۷ سپتامبر (۲۵ شهریور) اعلیحضرت به دوستدار فرمودند که نخست وزیرشان مایل اند مذاکرات راجع به موضوع نفت را مجدداً افتتاح نمایند. اگر چه پیشنهادات جناب آقای نخست وزیر که از طرف اعلیحضرت همایونی به دوستدار اعلام شد به نظر دوستدار زمینه مناسبی را برای مذاکرات در واقع نوید نمی‌داد معذالک از لحاظ احترام به اعلیحضرت همایونی دوستدار موافقت نمودم که اگر دولت ایران پیشنهادات خود را روی کاغذ بیاورند عیناً جهت دولت متبوعه خود ارسال دارم.

عصر روز ۱۹ سپتامبر (۲۷ شهریور) آن جناب ورقه‌ای را به دوستدار تسلیم فرمودند که باید متذکر شوم روی کاغذ رسمی نبوده و دارای تاریخ و امضا نیز نبوده است. این ورقه نه تنها پیشرفتی نسبت به رویه سابق دولت ایران نشان نمی‌دهد، بلکه بیش تر حاکی از برگشت از آن

می‌باشد و به علاوه از آن ظاهر نمی‌شود که نظریاتی را که آقای هریمن بیان نموده‌اند در نظر گرفته شده باشد و شامل نکاتی که از فرمایشات ملوکانه استنباط شد که آقای دکتر مصدق اکنون پیشنهاد می‌نمایند نیز نبوده است. در واقع جواب مطالب عمده این ورقه در نامه آقای هریمن به عنوان آقای دکتر مصدق داده شده است، نامه‌ای که مورد موافقت کامل دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان می‌باشد.

بنابراین متأسفانه باید به استحضار خاطر آن جناب برسانم که دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نه می‌تواند ورقه مزبور را سند رسمی تلقی کند و نه هم محتویات آن را اساس و زمینه‌ای قرار دهد که بر روی آن بتوان مذاکرات را از نو آغاز نمود.

دوست صمیمی - اف. ام. شپرد

در این جواب چنان‌که ملاحظه می‌فرمایید در ضمن آن‌که صریحاً ورقه مزبور را رد نموده و برخلاف واقع آن را یک نوع برگشت دولت ایران از رویه سابق خود قلمداد کرده‌اند یک نکته اساسی دیگر نیز جلب توجه می‌کند و آن این‌که دولت انگلیس رسماً اظهار داشته که جواب آقای هریمن به یادداشت ایران مورد موافقت کامل دولت انگلیس می‌باشد.

با دریافت این نامه دولت ایران جز تعقیب اقدامات سابق تکلیفی نداشت و بدیهی است اولین اقدامی که برای اجرای این منظور می‌بایست بلافاصله انجام گیرد تعیین تکلیف کارشناسان انگلیسی مقیم آبادان بود؛ زیرا تا تکلیف کارشناسان انگلیسی معین نشود کار نفت به جریان طبیعی خود نمی‌افتد چه از طرفی تا وقتی که کارشناسان انگلیسی با وضع مبهم در آبادان باشند نمی‌توان کارشناس دیگری استخدام کرد و از طرف دیگر چون با وضع فعلی کارشناسان انگلیسی تکلیف نهایی کار نفت روشن نیست معاملات مهمی انجام نمی‌گیرد؛ زیرا خریداران نفت به علت وضع نامعلوم صنعت نفت از معامله خودداری می‌کنند.

بنابراین دولت در اجرای تعهدی که راجع به تعیین تکلیف قطعی کارشناسان خارجی در مجلس سنا و شورا نموده بود به هیأت مدیره موقت دستور داد فوراً به هر یک از کارشناسان انگلیسی اطلاع دهند که چون تاکنون حاضر به قبول خدمت در شرکت ملی نفت ایران نشده‌اند و حضور آن‌ها در خوزستان برای شرکت ملی نفت منشأ اثر نیست دیگر دلیلی برای ادامه اقامت آن‌ها وجود ندارد و باید در ظرف یک هفته وسایل حرکت خود را فراهم نمایند.

اما راجع به روابط دولت ایران در موضوع نفت با دولت انگلیس و شرکت سابق نفت و مشتریان سابق نفت به‌طور کلی نظر دولت در این جا یک‌بار دیگر رسماً اظهار و به دنیا اعلام می‌شود که:

اولاً - چون انگلستان سابقاً خریدار نفت ایران بوده در صورتی که اینک نیز علاقه مند به خریداری نفت باشد به عنوان یک مشتری نفت همیشه می تواند با دولت ایران وارد مذاکره شود و دولت ایران هم حاضر است مقدار نفتی را که سابقاً انگلستان خریداری می کرده در آتیه بر اساس قیمت عادلانه بین المللی که هر سال تعیین می شود معامله ای که مدت آن کافی باشد به عمل آورد.

ثانیاً - نمایندگان شرکت سابق نفت هر وقت حاضر شوند دولت ایران حاضر است به دعای حق آن شرکت راجع به غرامات به یکی از سه طریق، یعنی از روی قیمت سهام شرکت سابق نفت یا بر طبق قوانین و قواعدی که در مورد ملی کردن صنایع در هر یک از کشورها در موارد مشابه به موقع اجرا گذاشته شده و شرکت سابق آن را به نفع خود تشخیص دهد، یا به هر طریق منصفانه و عادلانه دیگری که مورد موافقت طرفین واقع شود رسیدگی نموده با رعایت دعاوی و مطالبات دولت ایران ترتیب تسویه آن را بدهد؛ و برای پرداخت هم دولت ایران یا ۲۵ درصد عایدات را هر ساله به ترتیبی که در قانون پیش بینی شده تودیع خواهد نمود، با این که اگر انگلستان نفت از ایران خریداری کند نصف بهای نفت خریداری شده واگذار خواهد گردید که در مقابل مطالبات شرکت تا خاتمه استهلاک برداشت شود.

ثالثاً - به مشتریان سابق نفت اعلام می شود که آنها نیز می توانند برای خرید نفت با شرکت ملی نفت قرارداد منعقد کنند و دولت ایران نفت خریداری آنها را به هر شرکت حمل و نقلی که معرفی نمایند تحویل خواهد داد.

۱۰ مهر ۱۳۳۰

تاریخ انتشار در سایت سازمان سوسیالیستهای ایران - سوسیالیست های طرفدار راه مصدق
در اسفندماه ۱۳۹۰ - مارس ۲۰۱۲